

بررسی کاربرد رنگ در دیوان یدالله رؤیایی بر مبنای نظریه روان‌شناسی ماکس لوشر

هدی پزهان*

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۹

چکیده

نگرش روان‌شناسانه به رنگ و بررسی تأثیر آن بر روح و روان آدمی یکی از شاخه‌های نوین روان‌شناسی است که مورد توجه علم روان‌شناسی و فیزیولوژی قرار گرفته است. روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر شیوه جدیدی است که بر مبنای آزمون انتخاب رنگ‌ها به شناخت روانی انسان منجر می‌شود. یدالله رؤیایی از جمله شاعران معاصر است که در شعر خود، از رنگ‌ها در خلق تصویرها و خیال‌های شاعرانه سود جسته است. در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر و جایگاه رنگ‌ها در اشعار رؤیایی بر مبنای بسامد آن‌ها تحلیل شود و به یاری روشی علمی و کاربردی، تصویری از اندیشه‌ها و نگرش وی ارائه گردد.

کلیدواژگان: شعر معاصر فارسی، یدالله رؤیایی، روان‌شناسی، ماکس لوشر، رنگ.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

مقدمه

بس رنگ تند مات و گریزا به هر طرف هذیان شده است بر تب چشمان بیقرار
(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)

رنگ همان نور است و نخستین بار نیوتن، نور را به طیف‌های مختلف رنگی تقسیم کرد. او همچنین پی برد که هر رنگی طول موج مخصوص به خود را دارد و این ویژگی مشترک آن با صداست. اصوات هم طول موج معینی دارند که به وسیله آن، انرژی خود را به ما منتقل می‌کنند. رنگ‌ها نیز در جایگاه ارزشی خود، به وسیله طول موج‌ها بر مرکز احساسات ما تأثیر می‌گذارند. رنگ‌ها واژگان گویای درون و دریچه‌ای رو به شخصیت و ساختار و حالات روحی آدمی است. در روان‌شناسی یونگ از رنگ با عنوان «مجموعه‌ای از نادانسته‌ها» یاد شده است که دربردارنده دانش و تجربه انسان‌هاست. گوته رنگ را همچون جریانی فعال در زندگی برمی‌شمرد. او با ایجاد چرخه رنگ بر اهمیت آزمودن و تجربه کردن رنگ‌ها به معنای احساسی پویا و کنش و واکنشی متقابل میان روشنایی و تاریکی تأکید کرد. دیدگاه گوته در تشریح انرژی رنگ‌ها و تأثیر آن بر ما به همراه مشاهدات تحلیلی نیوتن، اساس نظریه معاصر رنگ‌ها را تشکیل می‌دهد (فلمار، ۱۳۷۶: ۱۲۲۴؛ سان، ۱۳۷۸: ۵۳-۴۹).

«رنگ در رؤیت جنبه‌ای از نمود اشیاء و نورهاست که به ترکیب طیفی نوری که به شبکه چشم می‌رسد و به تغییرات این ترکیب طیفی در فضا و زمان بستگی دارد. طیف در اصطلاح علمی رشته‌ای از مقادیر را گویند که بر حسب خاصیتی تنظیم یا توزیع شده باشد» (انوشه، ۱۳۸۱: ۶۸۴).

رنگ‌ها به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند؛ گروه نخست رنگ‌های آکروماتیک را در بر می‌گیرد که شامل سیاه، سفید و خاکستری‌هایی است که از ترکیب این دو رنگ به دست می‌آیند؛ گروه دیگر، رنگ‌های کروماتیک است شامل؛ قرمز، زرد و آبی که از ترکیب این رنگ‌های اصلی، رنگ‌های فرعی یا ثانویه (نارنجی، بنفش، سبز) به دست می‌آید و هر رنگی که از ترکیب رنگ‌های اصلی و فرعی به وجود آید در حیطه رنگ‌های کروماتیک قرار دارد (رضایی و ناصحی، ۱۳۷۴: ۴). هر رنگ ویژگی‌هایی دارد که با توجه به آن، احساساتی متفاوت در انسان‌ها برانگیخته می‌شود و این تا میزان زیادی بسته به

سلیقه ذهنی و حساسیت افراد نسبت به رنگ‌های خاصی است که موجب توجّه، علاقه‌مندی و برگزیدن آن رنگ می‌شود.

بی‌شک مهم‌ترین سیمای رنگ در زندگی روزمره مردم که در چند سال اخیر بدان توجّه شده است همین واکنش‌های روانی، عاطفی و زیبایی‌شناسی انسان‌ها به رنگ‌هاست که در هنر و تجارت و حتی درمان بعضی بیماری‌ها بازتاب یافته است. بسیاری از روان‌شناسان بر این باورند که با ارزیابی کاربرد رنگ‌ها نزد هر شخص و واکنش‌های وی بدان‌ها می‌توان به شناختی در زمینه روحی و جسمانی وی دست یافت. پژوهش‌های جدید نشان داده است که رنگ‌ها واکنش‌های جسمانی و عاطفی معینی را در انسان و برخی جانوران برمی‌انگیزند.

رنگ‌ها در نگرنده احساس‌های متفاوتی از شادی و اندوه، آرامش و اضطراب را باعث می‌شوند. این تأثیر ناشی از ویژگی‌های خاصّ هر رنگ و نیز هماهنگی و هم‌آوایی این رنگ‌ها و البته چگونگی ترکیب آن‌هاست. تاکنون در حوزه روان‌شناسی رنگ تحقیقات چندی به زبان اروپایی صورت گرفته است. پژوهش‌های کاربردی و ارزشمند در زمینه ارتباط رنگ‌ها و جنبه‌های مختلف شخصیتی افراد انجام شده است که می‌توان به ماکس فایفر (Max Pfister)، هرمان رورشاخ (Herman Rorschach) و ماکس لوشر (Max Lüscher) اشاره کرد. مشهورترین و کاربردی‌ترین آزمون رنگ را ماکس لوشر بنیان نهاد. این پژوهش با استفاده از روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر و بر مبنای نظریه‌های علم روان‌شناسی، تصویری علمی و دقیق از روحیات و خلقیات یدالله رؤیایی، شاعر معاصر ارائه می‌دهد.

روان‌شناسی رنگ

گفتمان روان‌کاوی به این نکته می‌پردازد که در فراسوی مفهوم واژه‌ها چه چیزی وجود دارد که می‌تواند به سخن، معنایی دیگر - غیر از آنچه وضع شده - بیفزاید. روان‌کاوی در آغاز در پی یافتن چگونگی پدیده‌ها و کارکردهای ذهن بود تا بتواند نقش تعیین‌کننده نیت‌ها، آرزوها، اشتیاق‌ها و انگیزه‌های برخاسته از ذهن را در شکل‌گیری رفتارهای فرد و علامت‌های اختلال رفتار دریابد (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲). «کند و کاو

ناخودآگاه، کار در زیر زمین ذهن با ابزارهای خاص، وظیفه اصلی روان‌شناسی در قرن تازه است» (همان: ۴۰). در روان‌شناسی نوین، رنگ یکی از معیارهای سنجش شخصیت به شمار می‌آید؛ هر رنگ سرد و گرم، تیره و درخشان، با توجه به ویژگی‌هایی که دارد تأثیر روانی خاصی بر انسان می‌گذارد، و نشانگر وضعیت روانی و جسمی فرد است.

این موضوع با توجه به پیشرفت‌های دو دانش فیزیولوژی و روان‌شناسی به اثبات رسیده‌است و روان‌شناسان با ژرف‌نگری در کاربرد رنگ‌ها، به بازشناخت سیمای درونی و نهفته انسان‌ها می‌پردازند. «یونگ یکی از بزرگ‌ترین متفکران و روانپزشکان سده بیستم، به نیروهای نمادین رنگ‌ها اعتقاد داشت و بیماران را تشویق می‌کرد تا به هنگام نقاشی، بی هیچ فکری رنگ‌ها را به کار گیرند تا بدین وسیله ژرف‌ترین بخش ناخودآگاه خویش را آشکار سازند و بتوانند برای دست یافتن به سلامت روان، پیوندی بین ناخودآگاه و خودآگاهشان برقرار سازند» (سان، ۱۳۷۸: ۵۸).

محققانی چون ماکس فایفر (Max Pfister)، هرمان رورشاخ (Herman Rorschach)، ای.آر. یانش (E.R. Jaensch) و ماکس لوشر (Max Lüscher) آزمون‌هایی را بر مبنای روان‌شناسی رنگ تنظیم کردند. رنگ می‌تواند معنای شگرفی را به ارتباطات بیفزاید، چون به لحاظ پیام تصویری عنصری مهم و حیاتی است و می‌تواند تأثیری آنی از خود بر جای گذارد که در همه جای دنیا قابل درک و فهم است. به خصوص این موضوع در مورد القاء حالت یا ایده‌ای می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

رنگ‌هایی که می‌بینیم بسیار متأثر از احساسات ما هستند، کودکان از سن دوماهگی اشیاء رنگی را به غیررنگی ترجیح می‌دهند. کودک در فرآیند رشد، ذهنی رنگ‌گرا پیدا می‌کند و رنگ، جذابیت بیش‌تری از فرم برای او می‌یابد. با رسیدن به سن بلوغ، ذهن آن‌ها عموماً فرم‌گرا می‌شود، اما بیش‌تر انسان‌های خلاق در طول زندگی‌شان رنگ‌گرا باقی می‌مانند. از آنجایی که مغز یک کودک هنگام تولد کامل نیست، رنگ به عنوان یک محرک، نقشی مهم در شکوفایی ذهن کودک ایفا می‌کند. خاطرات کودکی ما با رنگ‌هایی که در ذهن مان نقش بسته‌اند ارتباط تنگاتنگی دارد. و در بزرگسالی هم نسبت به آن رنگ‌ها واکنش‌های مثبت و منفی نشان می‌دهیم (آیزمن، ۱۳۸۸: ۱۷).

روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر

در آزمایش لوشر، رنگ‌ها به طور مستقل بدون ارتباط با رنگ‌های دیگر بررسی می‌شود. در این آزمایش هشت کارت رنگی وجود دارد که شخص مورد آزمون، رنگ‌ها را به ترتیب علاقه انتخاب می‌کند. رنگی را که بیش‌تر از همه دوست دارد در مکان نخست، و به ترتیب تا مکان هشتم می‌چیند. رنگی که در مکان هشتم قرار می‌گیرد نشان‌دهنده کم‌اهمیت بودن، بی‌اعتنایی یا بی‌زاری شدید نسبت به رنگ است. چهار رنگ اصلی لوشر رنگ‌های آبی، زرد، قرمز و سبز، دارای ارجحیت روانی‌اند.

در تست لوشر چهار رنگ فرعی نیز وجود دارد که عبارت‌اند از بنفش مخلوطی از قرمز و آبی، قهوه‌ای که مخلوطی از زرد قرمز و سیاه است، خاکستری که بی‌رنگ و خنثی است و سیاه که در واقع نفی هر رنگ است. هدف اصلی کاربرد رنگ‌های فرعی، بالا بردن سطح سودمندی تست، یا افزودن رنگ‌هایی است که مقبولیت جهانی دارند، با این عمل رنگ‌های اصلی نیز در سطحی وسیع‌تر پخش می‌شود و به ما امکان می‌دهد که اهمیت جای‌گیری رنگ‌ها را در هر ردیف دقیق‌تر توضیح دهیم.

به این ترتیب، با توجه به این که هر رنگی در چه مکانی قرار می‌گیرد، می‌توان مشخص کرد که رنگ مورد نظر، نمایانگر چه کنشی است؛ زیرا گرایش ذهنی به طرف رنگ‌های مختلف، از مطلوب‌ترین تا منفورترین رنگ، بیانگر بازتاب‌های متفاوت روانی است. بنابراین این آزمون مسائل بسیاری را درباره خودآگاه و ناخودآگاه ساختار روحی شخص آشکار می‌کند؛ البته جنبه نسبی بودن تست لوشر را نباید از نظر دور داشت زیرا انسان موجودی تغییرپذیر است. این آزمون به سبب پرداختن به شخصیت افراد و توجه به مرکز فشار روحی و جسمی، به روانشناس و پژوهشگر این امکان را می‌دهد که کم‌تر به قضاوت و داوری خویش تکیه کند و به سبب سادگی و اعتبار نیز به راحتی مورد استفاده قرار می‌گیرد (لوشر، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۵).

رنگ‌های اصلی در روان‌شناسی رنگ لوشر

ماکس لوشر، چهار رنگ آبی، قرمز، سبز و زرد را رنگ‌های اصلی و چهار رنگ بنفش، قهوه‌ای، سیاه و خاکستری را رنگ‌های فرعی قرار داده است. رنگ‌هایی که بیانگر نیاز

روانی به خوشنودی، مهربانی، محبت، اظهار وجود، نیاز به موفقیت و امید داشتن است. چهار رنگ اصلی (آبی، سبز، قرمز و زرد) از اهمیت خاصی برخوردارند. فرد متعادل در انتخاب‌های خود این چهار رنگ را در اولویت قرار می‌دهد.

کاربرد رنگ آبی

آبی رنگی آرام و درون‌گراست. رنگی الهی و آسمانی، مطیع، سر به راه و سازشکار است. رنگ زمستان و سرماست. طعم آن، بی‌طعمی و کمی متمایل به شیرینی است. این رنگ، همیشه سایه‌دار است و همواره میل دارد در تاریکی خودنمایی کند. آبی با روان آدمی پیوند می‌خورد و تا اعماق روح نفوذ می‌کند (رضایی و ناصحی، ۱۳۷۴: ۴۰). چون این رنگ با آب و آسمان در ارتباط است، نمادی از ثبات در زندگی ماست؛ چون اقیانوس هرگز ناپدید نمی‌شود و آسمان هیچ‌گاه فرو نمی‌افتد به همین دلایل آبی به عنوان رنگی قابل اعتماد مورد اطمینان و متعهد شناخته می‌شود. شواهدی وجود دارد که وقتی رنگ آبی وارد خط دید ما می‌شود مغز سیگنال‌های شیمیایی آرامبخشی ارسال می‌کند. هر رنگی را که شما تاریک کنید آن رنگ به سوی منبع سیاهی که رنگ مایه قدرتمندی است سوق می‌دهید. آبی دریایی (Navy Blue) جدی‌ترین و قوی‌ترین آبی‌هاست (آیزمن، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۴). رنگ آبی‌ای که لوشر در تست خود از آن استفاده می‌کند آبی دریایی تیره است. رؤیایی ۲۳ بار از این رنگ در دیوان استفاده کرده است که بیش از دو درصد کل رنگ‌ها را شامل می‌شود. رنگ آبی سبب می‌شود انسان به خود و احساساتش بیندیشد. نمایانگر آرامش کامل است و اثری آرامبخش بر سیستم مرکزی اعصاب می‌گذارد. در روایات سنسکریت آمده است که آبی تیره مناسب‌ترین محیط را برای تفکر به وجود می‌آورد (گامینگ، ۱۳۸۴: ۲۳ و لوشر، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۵).

ساحل خموش مانده و بر روی سایه‌ام

مردی گشاده دست تمنا

بر پهنه‌های دور

با او کتاب آبی دریا

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۷۵)

موج‌ها کلمات آبی‌ای هستند که میهمانان سفره‌های شن‌اند

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۱۰)

کتاب دریا، آبی است و نه تنها تمام آب‌های دنیا، که حتی اشک‌های شاعر هم آبی است. وقتی شاعر می‌گرید «تمام آبی‌های آسمان در دستمال مرطوب»ش جاری است.

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۰۱)

رؤیایی در شعر «به چنار» بر این باور است که برگ‌های سبز درخت، آبی خاموش آسمان را آشفته می‌سازد. آسمان همیشه آبی است که آزادی را یادآور می‌شود (رؤیایی، ۱۳۹۰: ۶۱۱) این رنگ در دو مجموعه «بر جاده‌های تهی» و «لبریخته‌ها» به چشم می‌خورد.

و آسمان

که بایر از درخشش‌های آبی می‌شد

ناگاه

نام تو از تمام جهت‌ها

می‌آمد

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۵۰)

کاربرد رنگ سبز

در سبز توان آرامش وجود دارد. رنگ تعقل، تفکر و آرامش خردمندان است. رنگ صلح و آشتی است. سبز رنگ پایان بهار و آغاز تابستان است. رنگ دنیای سبزیجات است که معلول عمل فتوسنتز گیاهان است. در میان تمام رنگ‌ها طیف رنگی سبز بیش‌ترین گزینه‌های انتخابی را در اختیار ما می‌گذارد. آبی - سبز نماینده بهترین خواص این دو رنگ مادر است و همواره واکنش‌های خوشایندی را به دنبال دارند. تأثیری آرامبخش دارند و با هر پوسته رنگی، خود را تطبیق می‌دهند. رنگی که لوشر در کارت‌های آزمون خود از آن بهره گرفته است یک آبی سبز است که می‌تواند ویژگی طیف‌های سبز و البته آبی را همراه داشته باشد. تحقیقات انجمن لغت نشان می‌دهد که بیش‌تر مردم، تم‌های سبز را با طبیعت پیوند می‌زنند. استفاده از طبیعت به عنوان منبع الهام و فکر، هزاران

شاخ و برگ سبز را در هر ذهن رنگی ایجاد می‌کند (آیزمن، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۷). لوشر بر این باور است که رنگ سبز، نشان‌دهنده شرایط روحی و «تنش انعطاف‌پذیر» می‌باشد و استقامت و ایستادگی را می‌رساند. از دیدگاه روان‌شناسی بر شکل‌هایی از مالکیت و اظهار وجود نیز دلالت می‌کند. رنگ سبز همچون سدی است که در پس آن هیجانات ناشی از تحریکات خارجی وجود دارد؛ حس خودداری، مهار کردن حوادث و هدایت آن‌ها تا حدی افزایش می‌یابد (هانت، ۱۳۷۷: ۸۲؛ ایتن، ۱۳۷۰: ۲۱۸ و لوشر، ۱۳۸۸: ۷۹). سبز برای شاعر، نماد زندگی و حرکت و پویایی است. رنگ سرود بهار و باغ‌ها و زلف سبز درختان است (رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۲۰ و ۱۵۸ و ۱۸۲).

رؤیایی ۷۸ بار از این رنگ و البته از واژگان همبسته معنایی در محور جانشینی استفاده کرده است که ۹ درصد کل رنگ‌ها را شامل می‌شود. آبی و سبز در شعر او گاه کارکردها و نمادهایی مشترک ارائه می‌دهند؛ شاعر در شعر «رفته»، رنگ دریا را که در موارد بسیاری آبی خوانده است با رنگ سبز مزرع رؤیا پیوند می‌زند، سپس این هر دو را به تصویر چشمانی رؤیا رنگ:

چشم‌های تو دریچه‌های دریا را،

- پلک چون باز ز هم کنند -

بگشایند

سبزگون مزرع بیکرانه رؤیا را،

- صف مژگان چو بهم زنند، بزدایند

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

و در پایان می‌گوید:

پلک بگشای به روی من که بگشایند،

چشم‌های تو دریچه‌های دریا را

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۷۱)

در شعر «بر ساحل» هم از ترکیب «کتاب سبز خیال» استفاده می‌کند؛ و در دوبیتی‌ها دوباره از ترکیب دریا و رؤیا (خیال) بهره می‌برد و مضمون پیشین را تکرار می‌کند:

چمن از سبزه چون دریاست دریا
بیابان سر به سر رؤیاست رؤیا
صدای کبک پیچد در بن کوه
که اینک زندگی زیباست زیبا

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۵۰)

این سبزی گاه در تقابل با سرخی قرار می‌گیرد؛ رنگی که حاصل زیبایی و پویایی زندگی است و رنگ «شاخسار روی زبان» دوست است با رنگ مرگ، با سرخ که هول افتادن است مقابل می‌شود:

چه شاخسار سبزی روی زبان توست
وقتی نسیم سرد دهان‌های سرخ
با شاخسار سبز تو در بازی است.

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۶۶۵)

این تقابل این جا به پایان نمی‌رسد و شاعر با رنگ‌ها، تشویش و آرامش جان و جهان شعرش را رنگ‌آمیزی می‌کند. به راستی ترسیم تابلویی است از جهان شاعر و نگاه هستی‌شناسانه او به دنیا و بودن. در شعر «تعبیر»، شاعر همچون شبانه‌های دیگر در فضایی سیاه به تصویرپردازی مشغول می‌شود. از خون که نماینده رنگ سرخ است آغاز می‌کند و از سرخی خورشید درون و زردی جانی دژم می‌گوید که سبز می‌شود و این را به فال نیک می‌گیرد:

آفتابی سرخ در من سبز شد

سبزه‌ها در زرد جانم ریخت، گرم

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

در شعری با عنوان «آفتاب سبز» در دفتر «از دوستت دارم»، شاعر تصویر شورانگیز نگاهی را ترسیم کرده که «تکرار نور» است و شب جهان بی نور او را که خاکستری است رنگ می‌زند:

در آفتاب سبز نگاه او

تکرار نور بود و گریز رنگ

سودای جان و همهمه دل بود
پرواز دور زورق صد آهنگ

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۶۹)

شکوه آینه، سبز است و همان رهایی‌ای را به خاطر می‌آورد که شاعر با دیدن آبی
آسمان حس می‌کند:
در شکوه سبز آینه رهاتر شدم
تا سرود من
جنبشی افتاد بر تصویر
فاصله‌ای باز کرد
از من جداتر شد

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۷۴)

کاربرد این رنگ در دیوان رؤیایی بیش‌تر در دفترهای «بر جاده‌های تهی» و «از
دوستت دارم» دیده می‌شود.

رنگ سرخ

قرمز شهوانی، سرزنده، محرک و مهیج است. پس از دیدن رنگ قرمز غده هیپوفیز
فعال می‌شود و یک پیام شیمیایی به مغز غده فوق کلیوی می‌رسد و هورمون
اپی نفرین (Epinephrine) یا آدرنالین آزاد می‌کند. این هورمون سیستم شیمیایی بدن را
تغییر داده و باعث تنفس بیش‌تر و سریع‌تر می‌شود. این رنگ فشار خون و ضربان قلب را
افزایش می‌دهد و جریان آدرنالین را زیاد کرده و باعث واکنش تحریکی پوست و واکنش
گالوانیک (Galvanic Skin Response GSR) - اصطلاحی که برای تعرق پوست هنگام
امتحان دروغ‌سنجی به کار می‌رود- می‌شود. این واکنش‌ها روانی هستند و ما کنترلی
روی این تأثیرات نداریم (آیزمن، ۱۳۸۸: ۲۳). قرمز رنگی گرم شیرین است. قرمز
بیش‌ترین آستانه هیجان را در انسان ایجاد می‌کند و نمایانگر رها شدن انرژی در وضعیت
فیزیولوژیکی است. رنگ اصرار در بدست آوردن نتیجه، رسیدن به کامیابی و موفقیت و
کمال و جست‌وجوی پیروزی است (لوشر، ۱۳۸۸: ۸۳ و پورحسینی، ۱۳۸۴: ۶۰).

رنگ خون و جریان زندگی است. در شعرهای *بدالله رؤیایی* بارها خود رنگ با نام‌های قرمز، سرخ و احمر تکرار شده است که از نظر بسامدی ۲۲۳ بار با هم بسته‌های معنایی خود به کار رفته است. این تعداد کاربرد، قرمز را در اولویت دوم رنگی قرار می‌دهد که بیش از ۲۵ درصد کل رنگ‌ها را شامل می‌شود. در محور هم‌نشینی، خون گسترش معنایی یافته و مفهوم ضمنی سرخی را هم القا می‌کند. خونی که «بوی سرخ حماسه» می‌دهد و «بوی سرخ جرعه در باد» که ابرهای کاهل را مست می‌کند و خود این آمیزش حس بویایی و بینایی، حساسیت و دقت رنگی را افزایش می‌دهد.

ما با نقیب قافله می‌رفتیم

و خون ما که بوی سرخ حماسه داشت

مار و سراب را

تا انتهای حافظه می‌برد

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۱۲)

«رنگ خون»، «خون رنگ»، «خونین»، «خون‌آلوده»، «خون منجمد»، «خوناب»، «خون بار»، «خون چکان»، «خون ریز» بی‌آنکه نامی از سرخی آورده شود خود، پیوند ناگسستنی‌ای با رنگ دارد؛ نه تنها خون که حتی شقیقه‌های شاعر سرخ است: «شقیقه‌های من از تکرار/ سرخ‌اند» (رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۶۹). قدرت خیال پردازی و تصویرگری زبانی شاعر در رنگ آمیزی غزل‌واره‌ها تا جایی است که بی‌آنکه نامی از خون و سرخی شفق ببرد همچون نقاشی زبردست با ابزار نیرومند تشبیه تابلوی سرخ بی‌نظیری را خلق می‌کند:

رگ بریده، دهان باز کرد و ریخت

افق دراز،

دراز

دراز لخته لخته، دراز مذاب.

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۰۳)

بیش‌ترین کاربرد این رنگ در دفتر «لبريخته‌ها» و «بر جاده‌های تهی» صورت گرفته است.

رنگ زرد

رنگی است با توان پرتو افکنی زیاد، که بیش تر پرتوهای دریافتی را بازتاب می‌دهد. ژرفا و عمق ندارد اما بُرد آن نسبت به رنگ‌های دیگر زیادتر است و بسیاری از ویژگی‌های سفید را داراست. ترش است و شادی آفرین. هنگامی که با تغییرات زمینه‌های رنگی همراه باشد ایجاد هیجان و ناراحتی و تا حدی اضطراب می‌کند. صدای زیر ویولن و آواز بلبل و قناری زرد است. رنگی است مادی و زمینی که هرگز نمودار ژرفا نیست. زرد همواره طلوع خورشید را مجسم می‌سازد و نماد روشنایی و گرماست. رنگی که به دلیل حس تخیل و روشنگری و به واسطه خودش با نور نیرومند خورشید شناخته می‌شود. در روشن‌ترین نوع خود مصرف‌کنندگان زرد را به عنوان رنگی بشاش، جالفتاده و دلپذیر می‌دانند (رضایی و ناصحی، ۱۳۷۴: ۳۹ و آیزمن، ۱۳۸۸: ۳۵).

این رنگ قدرتی در خود دارد که موجب اعتماد به نفس و خوش‌بینی می‌شود. در آزمون لوشر این رنگ روشن‌ترین رنگ است و ویژگی‌هایی چون روشنی، امیدواری، رضایت و انبساط‌پذیری و آرامش خاطر را بیان می‌کند. از منظر روان‌شناسی رنگ، آرامش و رهایی از آزارها و مسئولیت‌ها و مشکلات است (لوشر، ۱۳۸۸: ۸۷؛ دی، ۱۳۸۵: ۵۹)؛ رنگ زرد ۳۹ بار در دیوان تکرار شده است؛ یعنی ۴/۵ درصد کل رنگ‌ها را شامل می‌شود. زرد *یدالله رؤیایی* همانگونه که در تعریف‌ها آمده رنگ موج‌های زرد طلایی نور است:

اما تو ای چنار که دستان خویش را
در موج‌های زرد طلا غوطه می‌دهی

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

رنگ تلاش او هم زرد است؛ همانند سعی بیهوده پاره نوری که بر بیراهه می‌رود و جز بی‌نصیبی نصیبش نیست. زرد، رنگ یأس و ناامیدی شاعر هم هست، در روزهای بی‌نتیجه او حتی در روشنان روز، زردی یأس را می‌بیند نه نیزاران طلا را.

چون پاره نور بر هر بیراهه تافتم

وز رنگ این تلاش

جز زردها

چیزی نیافتم

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

در «مسجد متروک»، رنگ، پاره اوراقی ز قرآن است که در زیر غبار زمان مانده و رنگ اندوه دارد. شاعر دقیقاً از ترکیب «رنگ غم اندود کرده» استفاده می‌کند و در ادامه می‌گوید: «کهنه گشته، زرد گشته، چهره دردآلوده کرده» غم اندود بودن، درد و زردی را یکی دانسته است. شاعر در هنجارشکنی زیبای زبانی و تصویری، خون لحظه‌ها را زرد رنگ می‌زند و اینگونه نوید رسیدن روز را می‌دهد:

بیست و چهار منزل روشن

اندام نور را

در خون زرد لحظه گذر داده‌اند

روز آمده است!

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۳۱۸)

او زرد را با واژه‌هایی چون «زر»، «زربین»، «زرنشان»، «طلایی»، «طلایین»، «زعفرانی»، «نیلی» و «نیلی وش» نشان داده است.

کاربرد رنگ‌های فرعی

رنگ‌های فرعی از قبیل بنفش، قهوه‌ای، سیاه و خاکستری در طبقه نسبتاً واحد قرار دارد. در یک نگاه دقیق‌تر، رنگ‌های سیاه و خاکستری رنگ به حساب نمی‌آیند، و خاکستری در آزمایش رنگ خنثی است؛ بنابراین هر دو فاقد رنگ هستند بنفش ترکیبی از آبی و قرمز است در حالی که قهوه‌ای ترکیبی از نارنجی و سیاه است و رنگ تیره و بی‌روحي را به وجود می‌آورد. انتخاب این سه رنگ بی‌رنگ (سیاه، خاکستری، و قهوه‌ای) ممکن است نشانه‌ای از برخوردی منفی با زندگی باشد. رنگ قهوه‌ای و بنفش از رنگ‌های عمده روانی نمی‌باشند و فرد به طور عادی آن‌ها را در منطقه بی‌تفاوتی جای می‌دهد. یا حتی آن‌ها را رد می‌کند اما فردی که دچار فشارهای روحی است، غالباً در مورد آن‌ها مبالغه می‌کند و این رنگ‌ها را در نخستین ردیف چینش و به جای یکی از رنگ‌های اصلی قرار می‌دهد.

هدف بالا بردن فایده کلی تست از طریق افزودن رنگ‌هایی است که کاربرد جهانی دارند، و این امکان را به وجود می‌آورد تا تعریف روشن‌تری برای تعیین محل یک رنگ در ردیف رنگ‌ها به دست آید.

رنگ بنفش

در گستره رنگ‌ها بنفش در برابر زرد قرار می‌گیرد و در تضاد با هم‌اند. زرد نمایشگر هوش و خرد است اما بنفش نمایشگر ظلم و بی‌خبری و دشواری است. گونه بر این باور است که بنفش، اشاره به ترس زیاد و آخرت و پایان جهان دارد. بنفش تیره، نهان‌گاه فاجعه و مصیبت است البته زمانی که روشن شود نشان تقدیس است ما را افسون خواهد کرد. در باور لوشر فردی که به حد بلوغ و کمال رسیده است یکی از رنگ‌های اصلی را به بنفش ترجیح می‌دهد، در حالی که کودکان از نظر فکری و احساسی رنگ بنفش را انتخاب می‌کنند. ویژگی‌های رؤیایی و خلاف واقع بودن رنگ بنفش، نوعی ناتوانی در تجربه و تشخیص و تردید و دودلی در مسأله زندگی است که هر دو، ناتوانی و بی‌مسئولیتی را نشان می‌دهد (لوشر، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۱، ایتن، ۱۳۷۰: ۲۱۹).

یدالله رؤیایی تنها یک بار از این رنگ استفاده می‌کند؛ یعنی ۱۲ صدم درصد کل رنگ‌ها که جایگاه آخر را در چینش رنگ‌ها پر می‌کند، اما همین یک بار را هم با حضور رنگ مقابلش یادآور می‌شود.

بر بنفش‌آویز هر تصویر، زرد خویش می‌بازم

که برایم هر سرابی مژده‌ای است

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

قهوه‌ای

آمیزه‌ای از رنگ زرد و سرخ تیره است. در این رنگ انرژی و سرزندگی رنگ سرخ کاهش یافته و تسلیم تاریکی می‌شود. به لحاظ تاریخی به دلیل ماندگاری واقعی‌اش در دوره‌های پیش‌هوشیاری بشر، دوباره زنده شده و قدرت گرفته است (لوشر، ۱۳۸۸: ۹۵). مردم در طراحی داخلی قهوه‌ای رنگ، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و این به واسطه

واکنش حک‌شده‌ای در ذهن آدمی است که به سال‌های غارنشینی برمی‌گردد، محیطی که در آن امنیت مطلق از دست شکارچیان وجود داشت (آیزمن، ۱۳۸۸: ۴۰). یدالله رؤیایی از این رنگ تنها دو بار بهره برده است که ۲۵ صدم درصد کل رنگ‌ها را به خود اختصاص داده است؛ البته قهوه‌ای در شعر او نیز در فضای مثبتی کاربرد ندارد و نماینده مردگی و کرحتی است. وقتی از خواب قهوه‌ای زخم‌ها می‌گوید، در پس آن به تولدی دوباره نظر دارد.

و گوشتم در خواب قهوه‌ای زخم‌ها
پوست مرا به تولدی تازه تعریف می‌کند

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۴۲۶)

سیاه

در روان‌شناسی لوشر، سیاه رنگی است که خودش را نفی می‌کند و بیانگر مرز مطلق است که در ورای آن زندگی متوقف می‌شود. نشان‌دهنده پوچی و عدم و انزوای مطلق است. رنگ پذیرفتن پوچی جهان مادی است؛ در روان‌شناسی، یادآور بی‌نظمی و اغتشاش است و کدورت و سنگینی روان آدمی را بیان می‌کند (لوشر، ۱۳۸۸: ۹۷). رونگه می‌گوید سیاه چرک می‌کند، این چه معنایی دارد؟ آیا این تأثیر سیاه بر روان است؟ آیا هدف در اینجا افزودن تأثیر رنگ سیاه است؟ (ویتکنشتاین، ۱۳۹۱: ۵۸).

مشکی پیام قدرت را هر کجا که باشد انتقال می‌دهد. به هر روی سیاهی با سفیدی تضاد تمام‌عیار دارد، در نتیجه استفاده از آن‌ها برای نشان دادن ازدواج متضادها بسیار کامل و بجاست. قدرتمند، مرموز، کلاسیک و زیبا، همواره روی ذهن آدمی تأثیرگذار است. مشکی بیش‌تر با رمز و راز و جادویی شب در ارتباط است (آیزمن، ۱۳۸۸: ۶۵). در دفترهای اشعار رؤیایی سیاه، بیش‌ترین بسآمد را دارد و اغلب با شب و تاریکی یکی دانسته شده است. تابلوهای شعری که رؤیایی از شب می‌کشد، خواه ناخواه یادآور سیاهی هستی‌شناسی اوست و البته رنگ سفید که در تقابل با شب شاعر است و سحر و صبحگاه را به ذهن متبادر می‌کند، هم بارها کاربرد داشته و اگر در آزمون رنگ لوشر در میان رنگ‌ها قرار داشت بی‌شک از نظر چینش در جایگاه دوم بود.

هر شام، هر سحر، به سراپرده حیات
بینم سیاه را که بلعد سپیدها

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۹)

یا در جای دیگر می گوید:
چنگ سحر گرفت گریبان تیرگی
میش سپید گرگ سیه را برید راه

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۱)

در باور گذشتگان به ویژه در اساطیر ایرانی رنگ سیاه در مقابل رنگ سپید، معمولاً نماد و نشانه اهریمن و نیروهای اهریمنی، رمز دروغ و شر و پلیدی است. از همان آغاز اهورامزدا در جهان روشن برین و اهریمن در جهان تاریک زیرین قرار دارد (حسن لی، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

اتفاقاً این جلوه رنگ سیاه نیز که نشأت گرفته از باور مردمان و اسطوره‌هاست در دیوان به چشم می‌خورد. در رنگ‌ها و طعن‌ها آشکارا سیاهی را با ابلیس و اهریمن پیوند می‌زند:

هر چیز بی‌نشان، جز تاریکی عمیق
بالا گهی شتافته تاریک
پایین گهی گریخته انبوه
دریایی از سیاهی اندر سیاهی
شیطان ز رخنه دندان‌هاش
بس نیشخند شوم بریزد
با طعنه سرد دهان‌های کج به من
ابلیس رنگ سخره زند

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۰۵)

و در اندیشه‌های سگ، شومی را صفت شب که نماد سیاهی است قرار می‌دهد:
می‌دود در کنه شب اندیشه‌های او هنوز
می‌دهد با سخره‌های شوم شب

پرواز مرغ زرنشان یادها را

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

و خورشید که سیاهی‌ها را از میان بر می‌دارد اهریمن سوز است:
باید اینک شست از دامان خورشید اهریمن سوز
نقش سرد لکه‌های خون توفان‌های دیروز

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۰۸)

سیاه رنگ دست‌های یأس است و اندوه، و خود یادآور مرگ است. در میان وابسته‌ها و همبسته‌های معنایی رنگ سیاه، ما با واژگانی چون شب، اهریمن، جادو، شوم، اندوه یأس، فقر و لاشه مواجهیم که البته گستره وسیع رنگ سیاه با مفاهیمی که در محور جانشینی و همنشینی به کار رفته است، خود روشنگر است که بیش از نیمی از بسآمد رنگی اشعار را شامل شده است و در اولویت نخست رنگی شاعر قرار دارد. بسآمد این رنگ در دیوان ۴۸۴ بار است که با همبسته‌های معنایی‌ای همچون ظلمت، سیاهی، تاریکی، تیرگی، دودین، آبنوس، زنگبار و سیه‌کار و... تکرار شده است. در بعضی از فرهنگ‌ها سیاه، نماد عزاداری و سوگواری محسوب می‌شود ممکن است شوم و نحس و مرگبار جلوه کند، چنانکه رؤیایی اهرمن را با سیاهی و مرگ پیوند می‌زند:

کز لعاب تیره کام سیاهی‌ها
تنیده اهرمن بس تارهای قبر
بر جسم تباهی‌ها

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۳۲)

و در «کاشکی» حسرت‌هایش که باز هم تکرار تصویر شب و سکوت و مرگ است، در خیال‌بندی‌های شاعرانه، مرگ را با ستم و درد و سیاهی گره می‌زند:

کاشکی نیرنگ بر بی‌رنگی دل‌ها نمی‌زد رنگ
کاشکی حسرت به تابوت سیاه درد
در گور ستم می‌خفت

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۴۰)

و به روشنی می‌گوید که رنگ مرگ او سیاه است:

من درون مستی سرشارتان مرگ سیاه خویش می‌بینم

(همان: ۷۸)

خاک سیاهی است

و ساقه پیغامی سبز برای نور

(همان: ۲۹۵)

خاکستری

رنگی خنثی است. به لحاظ روان‌شناسی پیام قابل اطمینان و اعتماد بودن را القاء می‌کند، با نماد سنگ‌های جبل الطّارق، اهرام ثلاثه مصر که به شکلی استوار در گذر زمان همیشه با دوام مانده‌اند. این کیفیت در محصولات و محیطی که در آن‌ها رنگ‌های خنثی استفاده شوند به چشم می‌آید. هرچه خاکستری به سیاهی بزند قدرت و شخصیت بیش‌تری از رنگ سیاه می‌گیرد (آیزمن، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۵). چه چیزی باعث می‌شود که خاکستری یک رنگ خنثی باشد. آیا چیز فیزیولوژیکی است یا چیز منطقی؟ آیا چیزی در مفهوم است یا در رابطه بین علت و تأثیر؟ چرا در دایره رنگ‌ها سفید و سیاه را نمی‌گنجانند؟ آیا به سادگی به این دلیل است که باعث آزردن خاطری ما می‌شود؟ (ویتکنشتاین، ۱۳۹۱: ۵۳). ماکس لوشر بر این باور است که سیاه و خاکستری خنثی هستند و ویژگی‌های تأثیرگذاری رنگ‌های دیگر را ندارند. رنگ به شمار نمی‌آیند و خاکستری تحرک و تنش روانی در بر ندارد، خنثی است یعنی نه ذهنی، نه عینی و نه درونی و نه بیرونی است؛ نه هیجان‌انگیز است و نه آرامش‌بخش (لوشر، ۱۳۸۸: ۷۰). رؤیایی در مجموعه شعرهای شانزده بار از نظر لفظی و مفهومی به این رنگ اشاره کرده است که با واژه‌های خاکستر و خاکستری و خاکسترگون یادآور شده است؛ البته آنچه شاعر از این رنگ در نظر دارد سفیدی و روشنی است:

سیمای صخره تاب در هم می‌خورد

در شیب سپید خاکستر

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۶۱۴)

و رنگ روزهای گذشته است؛

وز پرواز گامش پیوسته با من
آژنگ ایامی خاکسترگون
بر سیمای بخت پیرم خوابیده‌ست

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۲۲۸)

دسته‌بندی و علامت‌گذاری ردیف هشت رنگ

ابتدا به شیوه‌ای روشمند هشت رنگ اصلی و فرعی بر مبنای بسآمد و میزان کاربرد در یک ردیف قرار می‌گیرند؛ و سپس در گروه‌های دوتایی با علامت‌های مشخص طبقه‌بندی می‌شود، مکان نخست در آزمون بیانگر «گرایش و تمایل» فرد بوده و مکان دوم، نمایانگر هدف مورد نظر است که هر دو مکان با علامت «+» نشان داده می‌شود. مکان سوم و چهارم که با علامت «x» مشخص می‌شود بیان‌کننده حقیقت موضوع است. مکان پنجم و ششم نماینده استعداد ویژه‌ای است که از آن‌ها استفاده نشده است اما طرد هم نشده‌اند و با علامت «-» نشان داده می‌شود. مکان هفتم و هشتم که دو مکان آخر آزمون است و با علامت «-» نشان داده می‌شود بیانگر عدم تمایل و گریز است.

نتیجه آزمایش می‌تواند در مورد فردی باشد که از نظر روانی سالم و معمولی است. اما شرایط محیطی را غیرقابل تحمل می‌داند و ناامیدانه واکنش نشان می‌دهد. تست کامل لوشر واکنش‌های فردی نسبت به وضعیت موجود و تأثیرات کلی را روی رفتار نشان می‌دهد؛ همچنین نمایانگر طرز برخورد با رفتار شرطی بر حسب رفتار او، دیدگاه ناآگاهانه او در زمینه عاطفی، عمل و اشتیاق، هدف و نیازهای مدفون شده در اعماق روح وی می‌باشد. در این پژوهش از آنجایی که ما با اثر سر و کار داریم ترتیب چینش رنگ‌ها بر مبنای فراوانی است.

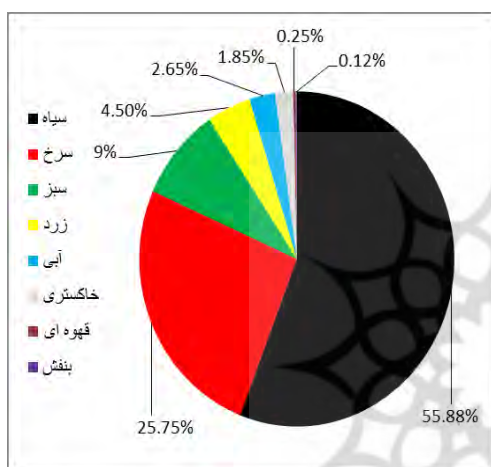
با وجودی که از این دسته بندی اغلب نتیجه دقیق و درستی حاصل می‌شود اما بهتر است که از میان هشت رنگ انتخاب دومی هم صورت گیرد، چون در این جستار انتخاب دوم ممکن نیست همان گروه اول دوبار چیده می‌شود.

درصد و فراوانی رنگ‌های مورد نظر لوشر در مجموعه شعرهای بدالله رؤیایی به ترتیب

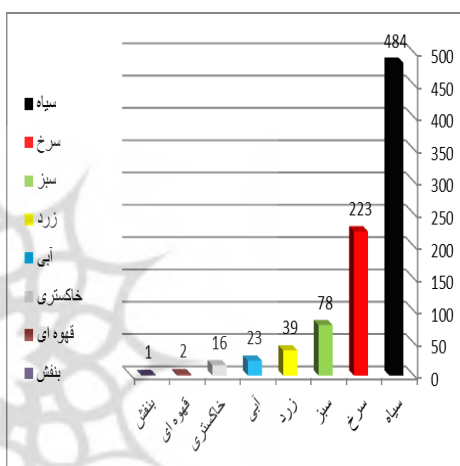
زیر است:

رنگ	سیاه	سرخ	سبز	زرد	آبی	خاکستری	قهوه ای	بنفش
فراوانی	۴۸۴	۲۲۳	۷۸	۳۹	۲۳	۱۶	۲	۱
درصد	۵۵/۸۸	۲۵/۷۵	۹	۴/۵	۲/۶۵	۱/۸۵	۰/۲۵	۰/۱۲

درصد رنگ‌ها



فراوانی رنگ‌ها



چیدمان رنگ‌ها به ترتیب زیر است:

سیاه (۷)	سرخ (۳)	سبز (۲)	زرد (۴)	آبی (۱)	خاکستری (۰)	قهوه‌ای (۶)	بنفش (۵)
سیاه (۷)	سرخ (۳)	سبز (۲)	زرد (۴)	آبی (۱)	خاکستری (۰)	قهوه‌ای (۶)	بنفش (۵)

چهار زوج زیر به دست می‌آید:

$$\begin{array}{l} - 6 - 5 \\ - 6 - 5 \end{array}$$

$$\begin{array}{l} 0 = 1 = \\ 0 = 1 = \end{array}$$

$$\begin{array}{l} \times 2 \times 4 \\ \times 2 \times 4 \end{array}$$

$$\begin{array}{l} + 7 + 3 \\ + 7 + 3 \end{array}$$

تحلیل عملکردهای شاعر در هر گروه

تحلیل وضعیت شاعر در مکان اول ۳ + ۷ (زوج سیاه و سرخ)

معنای ساختاری ترکیب قرمز و سیاه، آرزوی اغراق‌آمیز است (لوشر، ۱۳۸۸: ۱۰۹). لوشر می‌گوید اگر رنگ خاکستری، قهوه‌ای و یا سیاه در ردیف نخست قرار گیرند ما با سه علامت تعجب (!!!) مواجهیم. این یک روش ساده و سرانگشتی برای اندازه‌گیری شدت اضطراب است (همان: ۵۳). سیاه (۷ +): فرد، شرایط موجود را مغایر میل و طاقت فرسا می‌بیند. اجازه نمی‌دهد چیزی روی او تأثیر داشته باشد (لوشر، ۱۳۸۸: ۱۵۷). سرخ (۳ +): مشتاق نوعی زندگی کامل است که در آن نیازهای روحی و جسمی خود را ارضاء کند. خواسته و آرزوی رنگ قرمز به دلیل وجود رنگ سیاه، الزامی‌تر و ضروری‌تر می‌شود (همان: ۱۰۹). ۳ + ۷ +: «از تحریکات شدید که منجر به انفصال اوست رنج می‌برد و ممکن است این تحریکات به صورت رفتار غیر ارادی یا برانگیخته نمایان شود».

تحلیل وضعیت شاعر در مکان دوم ۴ × ۲ (زوج سبز و زرد)

سبز (۲ ×): «برای چیزی پافشاری می‌کند. مقاوم است. آنچه که احساس می‌کند مربوط به اوست طلب می‌کند و سعی دارد از موقعیت بی‌عیب و نقص خود حمایت کند» (همان: ۱۶۴). زرد (۴ ×): «مجدوب هر چیز نو و فریبنده می‌شود و از چیزهای یکنواخت معمولی و مرسوم خسته می‌شود» (همان: ۱۶۸). ۴ × ۲ (زوج سبز و زرد): سعی در ارتقای مقام و موقعیت اجتماعی خود دارد. از شرایط موجود خود ناراضی است و گویا برای افزایش مناعت طبع خود به پیشرفت‌های ضروری نیاز دارد (همان: ۱۶۵).

تحلیل وضعیت شاعر در مکان سوم: ۱ = ۰ (زوج آبی و خاکستری)

آبی (۱ =): «از لحاظ عاطفی وابسته نیست حتی وقتی که مسأله رابطه‌ای نزدیک در بین باشد» (همان: ۱۷۹). خاکستری (۰ -): مایل به همکاری است و برای کاهش اضطراب سعی می‌کند در مقابل تضادها مقاومت کند (همان: ۱۷۷). ۱ = ۰ - (زوج آبی و خاکستری): «خواسته‌های عاطفی متعدّد دارد و مایل است خود را در رابطه‌ای نزدیک که عمق احساسی چندانی ندارد پایبند کند» (همان: ۱۷۹).

تحلیل وضعیت شاعر در مکان آخر: ۵ - ۶ - (زوج قهوه‌ای و بنفش)

قهوه‌ای (۶-): تفسیر فیزیولوژی: فشار عصبی شخص از سرکوبی تمایلات جسمانی یا شهوانی و عدم توجه به نیازهای طبیعی و ناتوانی برای برقراری رابطه ثابت ناشی شده است. نیاز برآورده نشده‌ای برای برقراری دوستی خود با افرادی که معیارهایشان مانند او عالی است دارد و احساس برتری نسبت به توده مردم می‌کند. میل به برتری او را از دیگران جدا می‌کند و مانع از آمادگی او برای فعالیت آزادانه می‌شود. در حالی که می‌خواهد تسلیم شود، این حالت به عنوان ضعف تلقی می‌شود که باید بر آن غلبه کند. می‌پندارد که خودداری از نفس باعث برتری او نسبت به دیگران می‌گردد و به عنوان شخصیتی بی نظیر و مشخص شناخته می‌شود. به طور خلاصه خواستار احترام از جانب دیگران است (لوشر، ۱۳۸۸: ۲۲۵-۲۲۶). بنفش (۵-): فشار عصبی از حساسیت سرکوب شده ناشی می‌گردد (همان: ۲۲۰). نسبت به احساسات ظریف حساس است در آرزوی آمیزش و پیوستگی مبنی بر هماهنگی عاشقانه می‌باشد. به هر حال به دلیل عدم وجود دوست مناسب یا شرایط نامساعد این آرزویش برآورده نمی‌شود و او روابط عاطفی خود را شدیداً کنترل می‌کند، تا بداند دقیقاً در چه وضعی قرار دارد. مشکل پسند و زیباپرست است و سلیقه خاصی دارد که به او امکان بیان آن را می‌دهد. حساسیت هنری بسیار بالایی دارد و می‌کوشد تا با افرادی که می‌توانند وی را در زمینه رشد فرهنگی و هنری یاری کنند ارتباط دوستی برقرار کند (همان: ۲۳۰). به این ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولویت رنگ سیاه و پس از آن سرخ، دلیلی است بر تأثیرپذیری شدید از محرک‌های مختلف که منجر به سرکوب می‌شود و این برای شاعر آزاردهنده است. امکان دارد این تحریکات سرکوفته ناگهان به صورت رفتاری غیر ارادی و برانگیخته غلیان نمایند. فردی که رنگ فرعی سیاه را جای‌گزین یکی از رنگ‌های اصلی می‌کند و در جایگاه انتخاب نخست قرار می‌دهد تلاش می‌کند هر امری را که خارج از وضعیت موجود است انکار نماید و در حقیقت به نوعی پوچ‌گرایی منجر می‌شود. شعر رؤیایی تابلوی تیره‌ای است از روزان و شبان یأس‌آور و اندوهگین او که البته اگر روزنی هم باشد به نور، دور است بسیار دور. شرایط محیطی شاعر وی را به یأس و بدبینی کشانده و رنگی سیاه

به تابلوی زندگی‌اش پاشیده است. رؤیایی گاه ستیزه جویانه و گاه بدبینانه از شبان سیاهی می‌گوید که اهرمن در شومی‌اش دندان می‌نماید. در «یاد یار» می‌گوید:

آن زمان کز جادوی ابلیسی یأس سیاه
شیشه ایمان شکسته بر سر سنگ شکست
می‌پرد بر بام‌های شهر گنگ خاطرات
مرغ زرین بال یاد از نقطه‌های دوردست

(رؤیایی، ۱۳۹۰: ۷۰)

نتیجه بحث

با بررسی آماری رنگ‌ها در دیوان یدالله رؤیایی و درک بسآمد کاربرد رنگ‌ها در اشعار او و تحلیل روان‌شناسی آن‌ها بر مبنای آزمون ماکس لوشر می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شعر یدالله رؤیایی، سیاه، پربسآمدترین واژه رنگی است. کاربرد این رنگ در مکان نخست و در جایگاه رنگ‌های اصلی، بیانگر اختلال است. این رنگ، نمایانگر محیطی ناسازگار است که تحمل آن برای شاعر دشوار است و نشان دهنده افسردگی و یأس و انزوایی است که به پوچی منجر می‌شود. رنگ سرخ در مرتبه دوم، تلاش شاعر برای دستیابی به کامیابی است و کوششی برای ایستادن در برابر شرایط مخالف. مشتاق نوعی زندگی کامل است که در آن نیازهای روحی و جسمی خود را ارضاء کند و سعی در ارتقاء مقام و موقعیت خود دارد.

رؤیایی از شرایط موجود راضی نیست و احساس می‌کند نیازمند پیشرفت است. خواسته‌های عاطفی بزرگی دارد. حساس و مستعد است و آرزوی نوعی آمیزش عمیق و عاشقانه دارد. مشکل‌پسند و دوستدار زیبایی است، البته درک این نکته با علم به قدرت شاعری وی در زبان، و تخیل شاعرانه و تصویرپردازی‌هایی ظریف که به ویژه در استفاده از رنگ‌ها خلق کرده است چندان دشوار به نظر نمی‌آید. در دیوان یدالله رؤیایی غلبه با رنگ سیاه است که بیش از ۵۰ درصد رنگ‌های دیوان را به خود اختصاص داده است و شبان یلدای شعرهایش را نیازمند اختری برای روشنایی می‌کند.

کتابنامه

- انوشه، حسن. ۱۳۸۱ش، **فرهنگنامه ادبی فارسی**، ج دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایتن، هانس. ۱۳۷۳ش، **کتاب رنگ**، ترجمه محمدحسین حلیمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
- ایتن، هانس. ۱۳۷۳ش، **کتاب رنگ**، ترجمه محمدحسین حلیمی، چاپ پنجم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آیزمن، بناتریس. ۱۳۸۸ش، **روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها(پنتون)**، ترجمه روح الله زمزمه، تهران: نشر بیهق کتاب.
- پورحسینی، مزده. ۱۳۸۴ش، **معنای رنگ‌ها(رویکردی جدید به دنیای رنگ‌ها)**، تهران: انتشارات هنر آبی.
- دی، جانانان و لسی تیلور. ۱۳۸۵ش، **روان‌شناسی رنگ(رنگ درمانی)**، ترجمه مهدی گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- رضایی، ابوتراب و محمدعلی ناصحی. ۱۳۷۴ش، **رنگ شناسی(۲) رشته گرافیک و هنر**، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- رؤیایی، یدالله. ۱۳۹۰ش، **مجموعه اشعار**، تهران: نگاه.
- سان، هووارد و دوروتی. ۱۳۷۸ش، **زندگی با رنگ**، ترجمه نغمه صفاریان، تهران: حکایت.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۶ش، **زمینه اجتماعی شعر فارسی**، تهران: اختران.
- صنعتی، محمد. ۱۳۸۹ش، **تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات**، تهران: مرکز.
- فرزان، ناصر. ۱۳۸۴ش، **هنر و صنعت رنگ**، تهران: بی جا.
- فلمار، کلاوس برند. ۱۳۷۶ش، **رنگ و طبیعت شفافبخش آن‌ها**، ترجمه شهرناز آذرنیوش، تهران: انتشارات ققنوس.
- گامینگ، کاترین و ایتالیانو دبورا. ۱۳۸۴ش، **کتاب کوچک انرژی(رنگ‌های شفافبخش)**، ترمه پریسا غفاری، تهران: انتشارات جاجرمی.
- لوشر، ماکس. ۱۳۸۸ش، **روان‌شناسی رنگ‌ها**، ترجمه لیلا مهرداد پی، تهران: حسام.
- ویتکنشتاین، لودویگ. ۱۳۹۱ش، **درباره رنگ‌ها**، ترجمه لیلی گلستان، تهران: مرکز.
- ویلز، پاولین. ۱۳۷۵ش، **رنگ درمانی**، ترجمه مرجان فرجی، تهران: درسا.
- هانت، رولاند. ۱۳۷۷ش، **هفت کلید رنگ درمانی(تأثیر رنگ‌ها بر ذهن و سلامت شما)**، ترجمه ناهید ایران نژاد، تهران: انتشارات جمال الحق.

مقالات

حسن لی، کاووس. تابستان ۱۳۸۹ش، «کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی با تکیه بر رنگ سیاه و سفید»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، سال ۴۶، دوره جدید شماره ۲، پیاپی ۶، صص ۸۳-۹۴.

